

مقدمه ربیع الاول

سالروز میلاد پیامبر بزرگ اسلام (ص)

و رئیس مذهب امام جعفر صادق (ع)

به جهان اسلام بوده امانت شهید پرورد ایران

و مقام معظم رهبری مبارک باد



مظهر خلق عظیم

حجة الاسلام سید کریم آقا میری

کریمانه او، صفات پسندیده و سجایای اخلاقی او بود تا مشمول اجر^(۱۶) بی حساب گردد.

■ شأن نزول آیه

در مجمع البیان به سندی که به حاکم رسانده، روایت کرده که گفت: وقتی قریش دیدند که رسول خدا (ص) علی (ع) را بر سایرین مقدم داشت، و او را تعظیم کرد، شروع کردند به بدگویی از علی (ع)، و گفتند: محمد مفتون علی شده. خدای تعالی در پاسخ آنان این آیه را نازل کرد و القلم و ما یسطرون و در آن خدای تعالی سوگند خورد به این که ما انت بنعمة ربک بمجنون! تو به خاطر این که خدا انعام کرده مجنون نیستی و آن لک لاجراً غیر ممنون و آنک لعلی خلق عظیم و تو اجر انقطاع ناپذیر داری، و تو دارای خلقی عظیم هستی که منظور همان قرآن است.^(۱۷)

در جای دیگر می فرماید: خلق خوش و جذب مخاطبان توسط پیامبر را می شود از معجزات اخلاقی آن حضرت برشمرد که نمونه بارز آن در فتح مکه نمایان می باشد و صدور عفو عمومی تمامی محاسبات دوستان و دشمنان را بر هم زد که سبب و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجا گشت.

در حدیثی از حسین بن علی (ع) آمده است که می گوید: از پدرم امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره ویژگی های زندگی

خداوند رسول اکرم (ص) را در این مزایا محور دانست: حیات،^(۴) رحمت،^(۷) محبت،^(۸) شرح صدر^(۹) کوثر^(۱۰)، خلق عظیم^(۱۱)، اجر غیر ممنون^(۱۲) و رضا^(۱۳)؛ و لسوف یعطیک ربک فترضی^(۱۴) مزایای خاصی که خداوند برای رسولش قرار داد، همگی در بعدی از ابعاد، تابش و نورانیت دارند، ولی خلق عظیم او جنبه اجتماعی و رفتارهای عمومی و جامعیت او را نشان می دهد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ نوشته است: کلمه 'خلق' به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می زند، حال چه این که آن ملکه از فضائل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن، و چه از ردائل، مانند حرص و جبن و امثال آن، ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می شود.

و این آیه شریفه هر چند به خودی خود حسن خلق رسول خدا (ص) را می ستاید، و آن را بزرگ می شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی اش نظر دارد، اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری های ارادل و عفو و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال اینها.^(۱۵) آنچه ممتاز شدن رسول خدا (ص) در بین مردم حتی شگفتی برای غیر مسلمین ایجاد کرد، رفتارهای

یکی از اوصافی که از جمله ممتازترین اوصاف پیامبر اسلام در بین آیات قرآن بیان شده، خلق عظیم می باشد. در سوره مبارکه قلم خداوند پیغمبرش را این گونه می ستاید: وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ؛^(۱) توای پیامبر دارای اخلاق بزرگی هستی.

با جمله اسمیه و تأکید، می فرماید: تو دارای اخلاق عظیمی هستی، وقتی خدای سبحان از چیزی با عظمت یاد کند، معلوم می شود که آن کس یا آن چیز از عظمت فوق العاده ای برخوردار است؛ چون او هر چیزی را با صفت عظمت نمی ستاید. بسیاری از موارد را با صفت 'ضعف' یا 'قلت' یاد می کند، سراسر دنیا را اندک می شمرد: مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ^(۲) و از دسیسه های شیطان به عنوان: اِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا^(۳) سخن می گوید، اما وقتی از خلق رسول خدا (ص) نام می برد می فرماید: ای پیامبر تو واجد همه ملکات نفسانی در حد اعلا هستی!^(۴) وَ اِنَّ لَكَ لَاجْرًا غَيْرَ مَعْنُونٍ وَ وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ.

یعنی تو اجر نامحدود داری، گرچه عطایای خداوند به بهشتیان زوال ناپذیر است، ولی این اجر، نعمت خاصی است که به پیغمبر عنایت کرده، تنوین اجراً تنوین تعظیم است، یعنی تو اجر خاصی بر خدا داری و تو دارای برجسته ترین اخلاص هستی. و خلق عظیم به معنای دین عظیم نیست، بلکه اخلاق و نفسانیات است.^(۵)

پیامبر(ص) و اخلاق او سؤال کردم، و پدرم مشروحاً به من پاسخ فرمود، در بخشی از این حدیث آمده است: رفتار پیامبر(ص) با همشینانش چنین بود که دائماً خوشرو و خندان و سهل الخلق و ملایم بود، هرگز خشن و سنگدل و پرخاشگر و بد زبان و عیبجو و مدیحه گر نبود، هیچ کس از او مایوس نمی شد، و هر کس به در خانه او می آمد نومید باز نمی گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگونی، و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی کرد، و سرزنش نمی فرمود، و از لغزش ها و عیوب پنهانی مردم جستجو نمی کرد. هرگز سخن نمی گفت مگر در مورد اموری که ثواب الهی را امید داشت، در موقع سخن گفتن به قدری نافذ الکلمه بود که همه سکوت اختیار می کردند و تکسان نمی خوردند، و به هنگامی که ساکت می شد آنها به سخن در می آمدند، اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی کردند... هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی می کرد تحفل می نمود، و به یارانش می فرمود، هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد به او عطا کنید، و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد.^(۱۸)

آری اگر این اخلاق کریمه و این ملکات فاضله نبود آن ملت عقب مانده جاهلی و آن جمع خشن انعطاف ناپذیر در آغوش اسلام قرار نمی گرفتند، و به مصداق "لَا نَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ" همه پراکنده می شدند. و چه خوب است که این اخلاق اسلامی امروز زنده شود و در هر مسلمانی پرتوی از خلق و خوی پیامبر(ص) باشد.

■ برداشتهایی دیگر از آیه شریفه

در تفسیر نورالثقلین، تفسیرهایی از آیه "انك لعلى خلق عظيم" شده است. از جمله از اصول کافی نقل می کند که امام صادق(ع) فرمود: "ان الله عزوجل اذنب نبيته علي محبته، فقال: "و انك لعلى خلق عظيم".

در روایتی دیگر نیز فرمود: "ان الله عزوجل اذنب نبيته فاحسن اذبه، فلما اكمل له الادب قال "انك لعلى خلق عظيم" (حدیث، ۱۴)

در تفاسیر دیگر از این تفسیر ذیل آیه شریفه، آمده است: مراد هوالاتلام و یا خلق عظیم مراد از آن، دین عظیم است. (حدیث ۲۲) و در حدیث دیگر آمده السخاء و حسن الخلق (حدیث، ۲۳)^(۱۹) چنان که مشاهده شد، مرحوم علامه،

تفسیرخلق عظیم به دین عظیم را قبول نکرد و به همان سجایای اخلاقی تفسیر نمود.

بیضای در تفسیرش می گوید: چون تحمل می کنی چیزی را از قومت که انبیای ما قبل از تو تحمل نکردند، برای این، تو بر خلق عظیم هستی. ولی همگی به خلق عظیم اتفاق نظر دارند که خداوند رسولش را مزین به این خصیصه کرده است.

آیه دیگری که درباره اخلاق پسندیده رسول خدا نازل شده، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است: "قِيمًا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ فِطْرًا غَلِيظُ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنها(مردم) نرم (و مهربان شدی!) و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنها مشورت کن." بعد از بیان شأن نزول و تشریح نکات مهم در آیه، مرحوم علامه این گونه نتیجه می گیرد که: این جمله برای این آمده که سیره رسول خدا(ص) را امضا کرده باشد، چون آن جناب قبلاً هم همین طور رفتار می کرده و جفای مردم را با نرمخونی و عفو و مغفرت مقابله می کرده و در امور با آنان مشورت می کرده است، به شهادت این که اندکی قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت کرد و این امضا اشاره ای است به این که، رسول خدا(ص) بدانچه مأمور شده، عمل می کند و خدای سبحان از عمل او راضی است.^(۲۰)

موضوع مهم دیگر، این که در این آیه، به یکی از صفات مهم - که در هر رهبری لازم است - اشاره شده و آن، مسأله گذشت، و نرمش و انعطاف، در برابر کسانی است که تخلفی از آن ها سر زده و بعداً پشیمان شده اند. بدیهی است شخصی که در مقام رهبری قرار گرفته، اگر خشن و تندخو و غیر قابل انعطاف و فاقد روح گذشت باشد، به زودی در برنامه های خود مواجه با شکست خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می شوند و از وظیفه رهبری باز می ماند و به همین دلیل علی(ع) در یکی از کلمات قصار خود می فرماید: "آلة الرياسة سعة الصدر" وسیله رهبری، گشادگی سینه است. بعد از فرمان عفو عمومی، برای زنده کردن شخصیت آنها و تجدید حیات فکری و روحی آنان دستور می دهد که: در کارها با آن ها مشورت کن و رأی و نظر آنها را بخواه و شاور هم فی الامر.^(۲۱)

آیه فوق به نوعی رابطه و حقوق متقابل پیغمبر و مردم را بیان می کند. تکریم پیامبر به سبب عفو مردم و طلب استغفار برای آنان است و تکریم و ارزش نهادن به مردم به وسیله

مشورت گرفتن از آنان در امور مربوط به زندگی اجتماعی خودشان؛ و تکریم پیامبر با بیان اخلاق و احترام گذاری او به خاطر سجایای اخلاقی او که او را مورد تکریم برای مؤمنان جلوه می دهد.

■ رئوف و مهربان

رأفت و مهربانی از دل نرم و بی آرایش سرچشمه می گیرد و در آینه زندگی متبلور می گردد. یکی از ویژگی های انسانهای موحد، مهربانی است. خداوند چون خود مظهر رحمت و رأفت است، دوست دارد آنان که آینه دار جلوه لایزالی اویند به این صفت متصف گردند.

آیه ۱۲۸ سوره توبه، پیامبر اکرم(ص) را این گونه توصیف می کند: "لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است، و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است."

در تفسیر المیزان در تبیین و تفسیر این آیه شریفه آمده است:

کلمه "عننت" به معنای ضرر و هم به معنای هلاکت است، و کلمه "ما" در جمله "ما عننتم" مصدریه است، که آن را به معنای مصدر تأویل می نماید، و منظور از رسول، به طوری که سیاق دو آیه گواهی می دهد خاتم انبیاء محمد(ص) است، چون می بینیم او را وصف می کند به این که از خود ایشان است، و ظاهر این است که مقصود این باشد که او مثل شما بشر است، و هم نوع خود شما است، چون در کلام، چیزی که دلیل باشد بر این که خطاب بخصوص عرب و یا قریش باشد، نیست؛ مخصوصاً نظر به این که در میان آنان در حال خطاب، مسلمانانی از روم و فارس و حبشه نیز بوده اند. و معنای آیه این است: همان ای مردم! پیغمبری از جنس خود شما مردم بیامده که از اوصافش یکی این است، که از خسارت دیدن شما و از نابود شدنتان ناراحت می شود، و دیگر این که او در خیرخواهی و نجات شما چه مؤمن و چه غیر مؤمن حریص است، و این که او نسبت به خصوص مؤمنین رؤف و رحیم است، و با این که اوصافش چنین است آیا باز هم جا دارد که از او سربچی کنید؟ نه، بلکه سزاوار است که از او اطاعت کنید، چون او رسولی است که قیام نکرده مگر با امر خدا، اطاعت کردن از او اطاعت خدا است.

آری، جا دارد به او نزدیک شوید و با او انس بگیرید، چون او هم مثل خود شما بشر است، پس به هر که دعوت کرد بپذیرید، و هر خیر

خواهی که نمود به کار ببندید. از این بیان معلوم شد که قیدهایی که در کلام اخذ شده و اوصافی که آورده شده یعنی، وصف رسول و من انفسکم و عزیز علیه ماعتتم همه برای تأکید آن سفارش آورده شده، دلیلش این است که در آیه ذیلش فرماید: فان تولوا فقل حسبی الله (۲۳۲).

تأکید بر قطعی و واقعی بودن آمدن رسول به سوی مردم با لُقد جائکم - که تقد برحمتی بودن و تأکید اشاره دارد - و ذکر اوصاف از رسول که مردم با آن آشنا بوده و در مدت زندگانی خود با آن برخورد نموده بودند، یادآوری دیگری است بر توصیف پیغمبر و بیان خصوصیات اخلاقی او، همان اوصافی که سبب جلب نظر مردم از جاهای مختلف و با خصوصیات مختلف گردیده است، پیغمبری که دلسوز هدایت یافتن شماست (به مؤمنین) و به آینده شما نگران است و ... از مواردی است که در آیه شریفه وجود دارد و از تفسیر وزین المیزان نقل گردید. اما نکات دیگری پیرامون این آیه وجود دارد که از تفسیر نمونه به آن اشاره می‌شود.

... پیامبری از خودتان به سوی شما آمد! لُقد جائکم رسول من انفسکم. مخصوصاً این که به جای منکم در این آیه من انفسکم آمده است؛ اشاره به شدت ارتباط پیامبر (ص) با مردم است، گوئی پاره‌ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر (ص) ظاهر شده است.

به همین دلیل تمام دردهای آن‌ها را می‌داند، از مشکلات آنان آگاه است، و در ناراحتی‌ها و غمها و اندوهها با آنان شریک می‌باشد، و با این حال تصور نمی‌شود سخنی جز به نفع آنها بگوید و گامی جز در راه آنها بردارد، و این در واقع نخستین وصفی است که در آیه فوق برای پیامبر (ص) ذکر شده است. و عجب این که گروهی از مفسران که تحت تأثیر تعصبات نژادی و عربی بوده‌اند، گفته‌اند: مخاطب در این آیه، نژاد عرب است! یعنی پیامبری از این نژاد، به سوی شما آمد! به عقیده ما این بدترین تفسیری است که برای آیه فوق ذکر کرده‌اند، زیرا می‌دانیم چیزی که در قرآن از آن سخنی نیست، مسأله نژاد است، همه جا خطابات قرآن با یا ایها الناس و یا ایها الذین آمنوا و امثال آن‌ها شروع می‌شود، و در هیچ موردی یا ایها العرب و یا قریش و مانند آن وجود ندارد.

به علاوه ذیل آیه که می‌گوید: بالْمُؤْمِنِينَ رُؤْفَ رَحِيمٍ به روشنی این تفسیر را نفی می‌کند؛ زیرا در آن سخن از همه مؤمنان است، از هر قوم و ملت و نژادی که باشند.

جای تأسف است که بعضی از دانشمندان متعصب، قرآن را از آن اوج جهانی و بشری فرود آورده و می‌خواهند در محدوده‌های کوچک نژادی محصور کنند.

به هر حال پس از ذکر این صفت (من انفسکم) به چهار قسمت دیگر از صفات ممتاز پیامبر (ص) که در تحریک عواطف مردم و جلب احساساتشان اثر عمیق دارد، اشاره می‌کند.

در این که رؤف و رحیم با هم چه تفاوتی دارند، در میان مفسران گفتگو است، ولی به نظر می‌رسد بهترین تفسیر، آن است که رؤف اشاره به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمانبرداران است، در حالی که رحیم اشاره به رحمت در مقابل گناه کاران می‌باشد. (۲۳)

سؤال این است که منشأ این صفت (رأفت) رسول خدا (ص) از کجاست و او چگونه متخلق به این ویژگی شده است؟

استاد جوادی املی، پاسخ این پرسش را در کتاب سیره رسول اکرم در قرآن چنین بیان می‌فرماید: خدای سبحان درباره پیامبر (ص) می‌فرماید: رحمت خاص حق در او تجلی کرده و او مظهر آن شده است، زیرا خداوند با مؤمنان مهربان است. وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۲۳۴) و نسبت به مؤمنان مهربان است و پیامبر نیز چنین است: بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤْفٌ رَحِيمٌ (۲۳۵) همان صفت خاصه خود را برای رسول اکرم نیز قرار داده. نه این که رأفت خاصه، بالذات و بالاستقلال از آن پیغمبر باشد، بلکه او آئینه دار جمال رحمت خاصه خداست و آئینه از خود نوری ندارد... (۲۳۶).

آیا متصف شدن به صفت خاص از زبان ائمه علیهم السلام نقل شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر، برداشت استاد از این که آن حضرت آینه دار جمال رحمت است، منشأ آن چیست؟

باید گفت: در کتاب احتجاج طبرسی (ره) از معمر بن شداد از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: قال رسول الله (ص) ثم وصفني الله بالرأفة والرحمة و ذکر فی کتابه لُقد جائکم رسول من انفسکم ...

اما چرا بالمؤمنین رؤف رحیم گفته، یعنی رأفت را بر رحمت مقدم داشته است. تفسیر بیضاوی می‌گوید: رؤف را مقدم داشت، چون رساتر است. چون رأفت از رحمت پیش تر است و رأفت، شدت رحمت است. (۲۳۷) ابوالفتوح رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد: یعنی به مؤمنان مهربان و بخشاینده است. سپس روایتی را نقل می‌کند که: حسین بن فضل گفت: هیچ پیغمبری را خدای به دو نام نخواند، الا رسول ما را؛ چنان

که گفت: رؤف و رحیم. در این آیه و خود را، که گفت: ان الله بالناس لرؤف رحیم. (۲۳۸)

در نمونه‌های رأفت و مهربانی رسول اکرم (ص) رشید الدین میبیدی توصیفی از آن حضرت دارند قابل توجه که ما آن را در این جا بازگو می‌کنیم.

سندی که در تواضع چنان بود که یک قرص از درویش قبول کردی و دنیا جمله به یک درویش دادی و منت نهاده‌ای، با یتیمی راز کردی و بر جبرئیل ناز کردی، با غریبی بنشستی و با بهشت ننگرستی، به مهمان عجز رفتی و از عرش و مادون آن همت برگذاشتی، زن بیوه را ردا بیفکندی و بساط در سدره الممتهی نیفکندی، با مسکینی هم نواز بنشستی. رحیم دلی، خوش سخنی، نیک مردی، نیک عهدی، راست عهدی، تیمار داری، عزیز قدری، محمد نامی، ابوالقاسم کنیتی، مصطفی لقبی، صد هزاران صلوات و سلام خدا بر روح پاک و روان مقدس او باد. (۲۳۹)

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره قلم، آیه ۴.
۲. سوره نساء، آیه ۷۷ سرمایه زندگی دنیا ناچیز است.
۳. سوره نساء، آیه ۷۶ زیرا نفته شیطان (همانند قدرتش) ضیف است.
۴. عبدالله جوادی املی، سیره رسول اکرم (ص) قرآن، ج ۸، ص ۵۸.
۵. همان، ج ۸، ص ۲۲۰.
۶. یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحکم (انفال، ۲۴).
۷. واخضع جاحک لمن اتبعک من المؤمنین (شراء، ۲۱۵).
۸. فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر الذنوب و للمؤمنین و المؤمنات (محمد، ۱۹).
۹. الم تشرح لک صدک.
۱۰. انا اعطیناک الکوثر (کوثر، ۱).
۱۱. و انک لعلی خلقٍ عظیم (قلم، ۲).
۱۲. و ان لک لآخرآ غیر منقول (قلم، ۲).
۱۳. سوره ضحی، آیه ۵.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۹.
۱۵. همان، ج ۱۹، ص ۶۱۹.
۱۶. همان، ص ۹۳۱.
۱۷. مکارم شیرازی، نمونه (تفسیر)، و همکاران محقق ج ۱۲۴، صص ۳۷۸ - ۳۸۱.
۱۸. شیخ عبدالعلی حویزی، نورالتقلین (تفسیر)، ج ۵، صص ۳۹۳ - ۳۹۲.
۱۹. عمر بن محمد شیرازی بیضاوی، بیضاوی، ج ۲، ص ۵۱۴.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۴، صص ۸۸ تا ۸۸.
۲۱. مکارم شیرازی، نمونه (تفسیر)، و همکاران محقق ج ۳، صص ۱۶۵ تا ۱۶۷.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جلد ۹، ص ۴۳۷.
۲۳. مکارم شیرازی، نمونه (تفسیر)، ج ۸، ص ۲۰۹ - ۲۰۶.
۲۴. سوره احزاب، آیه ۴۳.
۲۵. سوره توبه، آیه ۱۲۸.
۲۶. عبدالله جوادی املی، سیره رسول اکرم (ص) قرآن، ج ۸، ص ۲۸۹.
۲۷. شیخ عبدالعلی حویزی، نورالتقلین (تفسیر)، ج ۲، حدیث ۴۳۱، ص ۲۸۷.
۲۸. عمر بن محمد شیرازی بیضاوی، بیضاوی، ج ۱، ص ۳۲۶.
۲۹. ابوالفتوح رازی، روح الجنان و روح البیان (تفسیر)، ج ۲، ص ۶۵۶.
۳۰. رشید الدین میبیدی، کشف الاسرار و عده الابرار (لطائفی از قرآن کریم)، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.